

انسان پیروزمند

ده دلیل برای امید به آینده

یوهان نوربرگ

ترجمه

امیر شهرابی

نشر همان

تهران - ۱۴۰۱

انسان پیروزمند

Progress

Ten Reasons to Look Forward to the Future

Johan Norberg

Oneworld Publications, London, 2017

ترجمه امیر شهرابی

ویراسته امیرحسین مهدی زاده

طرح جلد: یلدا مهرزاد

چاپ اول: ۱۴۰۱

شمارگان: ۶۰۰

چاپ و صحافی: سپیدار

مدیر چاپ: بهمن سراج

کلیه حقوق قانونی برای ناشر محفوظ است.



نشر همان

تهران، خیابان جمهوری اسلامی،

مقابل خیابان دانشگاه، شماره ۱۱۵۸،

ساختمان ۲۸۸، طبقه اول

تلفن: ۰۹۹۱۲۰۱۰۳۵۶ (+۹۸)

www.hamanpub.com

Email: info@hamanpub.com

@hamanpub



www.ketab.ir



فهرست کتابخانه ملی

سرشناسه: نوربرگ، جوهان

عنوان و نام پدیدآور: انسان پیروزمند/یوهان نوربرگ؛ ترجمه

امیر شهرابی.

مشخصات نشر: تهران، همان، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۲۲۸ ص.؛

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۰۳-۳۱-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: تاریخ اقتصادی قرن ۲۰ و ۲۱ م. / رشد اقتصادی /

تاریخ

شناسه افزوده: شهرابی، امیر، ۱۳۵۲-، مترجم

رده بندی کنگره: HC۵۴

رده بندی دیویی: ۳۳۰/۹۰۵

شماره کتاب شناسی ملی: ۷۴۰۹۳۴۴

فهرست

۱۳	مقدمه
۱۹	۱. غذا
۳۹	۲. بهداشت
۴۸	۳. طول عمر
۶۷	۴. فقر
۸۶	۵. خشونت
۱۰۸	۶. محیط زیست
۱۲۹	۷. سواد
۱۳۹	۸. آزادی
۱۵۹	۹. برابری
۱۸۴	۱۰. نسل آینده
۱۹۸	سخن پایانی
۲۱۱	نام‌نامه
۲۱۷	ارجاعات

روزهای خوب گذشته همین امروزند!

روزهای خوب گذشته فقط حاصل حافظه ضعیف ما هستند.

فرانکلین پیرس آدامز^۱

تروریسم، داعش، جنگ سوریه، بحران اوکراین و کریمه، قتل و اعدام‌های گروهی، قحطی، سیل، همه‌گیری بیماری‌ها، گرمایش جهانی، رکود، فقر، آوارگان یا مکمل جواب زنی که در مصاحبه رادیویی در خیابان در توصیف دنیای امروز گفت: «سراسر عذاب و اندوه»^۲ این چیزی است که در اخبار می‌بینیم و گویی قصه زمانه ما است. درست عنوان مقاله‌ای در باب روح زمانه که در شب سال نو ۲۰۱۵ در فایننشال تایمز چاپ شد: «کبود و زخمی در انتظار سقوط - کل جهان بر لبه پرتگاه».

دونالد ترامپ کارزار تبلیغات ریاست جمهوری‌اش را بر چنین دریافت‌هایی با منشأ ترس و نوستالژی بنا کرد. پنجاه و هشت درصد موافقان خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا زندگی امروز را بدتر از سی سال پیش می‌دانستند.

در سال ۱۹۵۵ فقط سیزده درصد مردم سوئد شرایط جامعه را «غیر قابل تحمل» می‌دانستند ولی امروزه بیش از پنجاه درصد از سوئدی‌ها پس از نیم قرن گسترش آزادی، افزایش درآمد، کاهش فقر و بهبود مراقبت‌های بهداشتی شرایط را «غیر قابل تحمل» می‌دانند.^۳ بسیاری از کارشناسان و مقامات با این اظهار نظر ژنرال مارتین دمپسی، رییس ستاد مشترک ارتش آمریکا، در مقابل کنگره موافق‌اند:

«من شخصاً شهادت می‌دهم که جهان امروز خطرناک‌تر از همیشه است». پاپ فرانسیس هم مدعی است که جهانی شدن مردم را محکوم به گرسنگی می‌کند: «قطعاً باید پذیرفت که ثروت جهانی رشد کرده ولی نابرابری و فقر افزایش یافته است».^۵

ناثومی کلاین، فعال اجتماعی چپ‌گرا، تمدن امروز را در حال تصادم و برخورد دانسته، می‌گوید ما نظام پشتیبان حیات سیاره را بی‌ثبات کرده ایم.^۶ در اندیشهٔ راست نیز جان گری فیلسوف، انسان‌ها را «انسان متجاوز» و گونه‌ای درنده و مخرب و در حال به پایان رساندن تمدن می‌انگارد.^۷

من هم قبلاً مثل آن‌ها بدبین بودم. وقتی حوالی سال‌های دههٔ هشتاد میلادی در سوئد نظام فکری‌ام را شکل می‌دادم، درک و هضم تمدن مدرن برایم دشوار بود. کارخانه‌ها، بزرگراه‌ها و سوپرمارکت‌ها برایم صحنه‌هایی منزجرکننده بودند و زندگی کاری مدرن به نظرم فقط حمالی می‌آمد. فرهنگ مصرفی را در جهان جدید با مشکلات فقر و درگیری‌هایی مرتبط می‌دیدم که تلویزیون آن‌ها را وسط اتاق نشیمن بیش چشم ما می‌آورد. در مقابل، در آرزوی جامعه‌ای بودم که ساعت را عقب کشیده و در هماهنگی با طبیعت زندگی کند. هیچ وقت به زندگی واقعی مردم پیش از انقلاب صنعتی بدون دارو و آنتی‌بیوتیک، آب سالم، غذای کافی، برق و نظام بهداشتی فکر نکرده بودم. در واقع، به آن زندگی بیشتر شبیه گردش بیرون شهر نگاه می‌کردم.

در بخشی از تحصیلاتم شروع به مطالعهٔ تاریخ و سفر در اطراف جهان کردم. دریافتم که بدون فهم واقعی زندگی گذشتگان نمی‌توانم آن روزها را با تخیلی رمانتیک روزهای خوب گذشته بنامم. یکی از کشورهایی که مطالعاتم را بر آن متمرکز ساختم کشوری بود با سوء تغذیهٔ مزمن، فقیرتر از میانگین کشورهای صحرای آفریقا و دارای امید زندگی کوتاه‌تر و مرگ و میر نوزادان بیشتر. این کشور سوئدِ نیاکانم در ۱۵۰ سال قبل بود. واقعیت این است که اگر ساعت

را به عقب برگردانیم می‌بینیم که روزهای خوب گذشته وحشتناک بوده‌اند.

خبر بزرگ این دوره بر خلاف آنچه در اخبار و از بسیاری مقامات می‌شنویم، آن است که شاهد بالاترین بهبود سطح زندگی جهانی در طول تاریخ هستیم. فقر، سوء تغذیه، بیسوادی، کار کودکان و مرگ و میر نوزادان سریع‌تر از هر زمانی در تاریخ بشر در حال کاهش است. در یک صد سال گذشته امید زندگی در آغاز تولد، بیش از دو برابر شده است. پیشتر دویست هزار سال طول کشیده بود تا این رقم دو برابر شود. خطر این که فردی در معرض جنگ، مرگ در اثر فجایع طبیعی یا سلطهٔ دیکتاتوری قرار بگیرد، اکنون از هر دورانی در طول تاریخ کمتر است. احتمال رسیدن به سن بازنشستگی نوزاد امروزی معادل احتمال پنج ساله شدن نوزادان نیاکان ماست.

جنگ و جنایت و فقر واقعیت‌های دردناک زندگی هستند و در دهه‌های گذشته رسانه‌های جهانی آن‌ها را به طور زنده هر روزه و بیست و چهار ساعته نشان داده‌اند. باید گفت که برخلاف این حضور فراگیر، این مشکلات همیشه وجود داشته و فقط بخش‌هایی از آن از نظر پنهان بوده است. تفاوت اصلی امروز با گذشتهٔ تاریخی این جا است که این مشکلات به سرعت در حال کاهش‌اند. آنچه امروز شاهدیم، استثنا است در حالی که در گذشته قاعده محسوب می‌شدند.

آغاز این پیشرفت از عصر روشنگری در قرون هفده و هجده میلادی بود که به جای پذیرفتن گفته‌های مقامات یا پیروی از سنت‌ها و خرافات شروع به شناسایی جهان با ابزار علم تجربی کردیم. نتیجه سیاسی این امر یعنی لیبرالیسم کلاسیک مردم را از غل و زنجیر حکومت موروثی و اقتدارگرایی و بردگی آزاد کرد. متعاقب آن، انقلاب صنعتی قرن نوزدهم بود که قدرت صنعتی در اختیار ما را چند برابر کرد و باعث شد بتوانیم بر فقر و گرسنگی غلبه کنیم. این انقلاب‌های پشت سر هم کافی بود تا بخش بزرگی از انسان‌ها از شرایط زندگی سختی

که همیشه گرفتارش بودند، نجات پیدا کنند. با جهانی سازی در اواخر قرن بیستم و گسترش این تکنولوژی ها و آزادی ها به بقیه جهان، این روند با گستره و سرعتی بیشتر از گذشته تکرار شد.

انسان ها همیشه عاقل و خیراندیش نیستند ولی عموماً می خواهند شرایط زندگی خود و خانواده شان را بهبود بخشند و در شرایطی که آزادی مطلوبی داشته باشند، برای دست یافتن به این هدف، سخت کار می کنند. این امرگام به گام به اندوخته ثروت و دانش انسان می افزاید. در این شرایط مردم بیشتری نسبت به گذشته می توانند از دیدگاه های مختلف و با راه حل های گوناگون مسایل را بیازمایند. بنا بر این به تدریج بر دانش علمی و دیگر دانش ها افزوده شده، هر فرد می تواند بر شانه های صدها میلیون نفر بایستد که پیش از او زیسته اند و این گونه در این چرخه خیر مشارکت کند.

این کتاب جشن نامه پیروزی انسان است، ولی پایی خودپسندانه ندارد، بلکه تا حدی به عنوان هشدار نگاشته شده است. اشتباه مهلکی است اگر این پیشرفت را بدیهی بینگاریم. ما بیشتر تاریخ را با این مسائل زیسته ایم. در این جهان عواملی در کارند تا ستون های اصلی این توسعه یعنی آزادی های فردی، اقتصاد آزاد و پیشرفت فناوری را فروریزند. تروریست ها و دیکتاتورها آنچه می توانند برای تضعیف جوامع آزاد می کنند؛ ولی تهدیدهایی هم در درون این جوامع وجود دارد. هر دو گروه پوپولیست های چپ و راست از جهانی سازی و اقتصاد مدرن خشمگین اند. امروزه دشمنی معمول محافظه کاران نسبت به جامعه شهری، جهانی و سیال با احساس خطر نسبت به جهان خارج و اصرار به بر پا کردن دیوارهای واقعی و مجازی همراه شده است.

خطر ظهور عکس العمل ملی گرایانه هم بسیار زیاد است. چراکه وقتی پیشرفت ها را نمی بینیم به دنبال مقصری برای مسایل پیش رو می گردیم. گویا فقط در پی فردی عوام فریب هستیم که به ما بگوید راه حل سریع و آسان برای بازگشت عظمت ملت ما دارد، خواه این

راه حل ملی کردن اقتصاد باشد یا ممنوعیت واردات یا بیرون کردن مهاجران. اگر فکر می‌کنیم امتحان کردن این اقدامات ضرری ندارد، حتماً حافظه خوبی نداریم.

در این نقطه از تاریخ باید پیشرفت شگفت ناشی از پیشروی آرام، تدریجی و خودانگیخته میلیون‌ها مردمی را به خاطر بیاوریم که با آزادی تلاش برای بهبود زندگی خودشان، جهان را بهبود بخشیدند. این پیشرفتی است که هیچ رهبر، سازمان یا حکومتی نمی‌تواند از بالا به پایین آن را اعمال نماید. این کتاب شرحی است از آنچه رخ داد و چگونگی رخداد آن و علت فراموشی ما.

قطعاً این بزرگ‌ترین دستاورد بشری است. اگر به توسعه جهان بیشتر بنگریم، هر روز شواهدی بر اثبات توانایی‌های خود خواهیم یافت. پس من هم سخن آغازینم را از نوشته سنگ گور سیرکریستوفر ورن، معمار کلیسای سنت پل، که در همان جا آرمیده، وام می‌گیرم: «اگر در جستجوی بنایی باشکوه هستید، به اطراف خود بنگرید.»^۱